



**مردم نگران**  
**معیشت هستند**

عاطفه خسروی  
مدیر مسئول

«نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد جلسه استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی روز یکشنبه ۱۲ اسفند برگزار می‌شود.» این خبری است که روز چهارشنبه اول اسفند دقیقاً یک روز بعد از نشست غیرعلنی مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهوری و وزرای اقتصاد اعلام شد.

۲۰ بهمن رئیس‌جمهوری بعد از حضور در جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی برای بررسی وضعیت بازار ارز، راهی بانک مرکزی شد تا از نزدیک در جریان اقدامات بانک مرکزی قرار گیرد. به دنبال برگزاری نشست پزشکیان با فرزین و مدیرانش برای بررسی اقدامات کنترلی این نهاد بر بازار ارز، طلا و شاخص‌های کلان اقتصادی، بسیاری این حضور را به‌منزله منتفی خواندن خروج فرزین از ساختمان میرداماد دانستند.

حتی روز چهارشنبه در حالی که مجلسیان طرح استیضاح همتی را با ۹۱ امضا اعلام وصول می‌کردند، رئیس‌جمهوری بعد از جلسه هیات‌دولت، راهی وزارت امور اقتصادی و دارایی شد تا در نشست با وزیر و مدیران آن، اقدامات و برنامه‌های این وزارتخانه برای مدیریت عرصه اقتصادی کشور را بررسی کند. وزیر اقتصاد نیز در نخستین واکنش به اعلام وصول استیضاح در صحن مجلس علنی به خبرنگاران گفت: «خیلی خوب است؛ صحبت می‌کنم و آنجا کل نمایندگان را قانع می‌کنم.»

به این ترتیب باید منتظر استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی پزشکیان در روز یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ باشیم که اگر برگزار شود، نخستین استیضاح وزرای دولت چهاردهم خواهد بود.

البته پیش از این نیز، چند روز مانده به بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۴ در صحن علنی مجلس، طرح استیضاح همتی به دلیل گرانی و بالا رفتن نرخ ارز و طلا مطرح شد که با تأکید بر برقراری تعامل و وفای بیشتر بین قوا برای حل موضوعات اقتصادی، از دستور خارج شد.

این بار نیز نمایندگان مخالف استیضاح، حساب‌های سیاسی برخی از نمایندگان با همتی را عامل امضای طرح استیضاح و اعمال فشار به ایشان می‌دانند و معتقدند؛ اینکه دولت باید فکر عاجل و چاره‌ساز برای حل مشکلات اقتصادی کند به جای خود؛ اما اینکه این موضوع دستاویزی برای تسویه حساب با همتی شود، امر مطلوبی نیست.

هرچند موافقان استیضاح نظرات دیگری دارند که می‌توان بخشی از آن را در اظهارات احد بوتبه، نماینده مردم اردبیل، نمین، نیز و سرعین که روز حضور پزشکیان و همتی در مجلس عنوان شد، دید. این نماینده مجلس شورای اسلامی در نطق میان‌دستور خود، با تأکید بر اینکه تورم، زاده تصادف و اتفاق نیست و به نوعی مدیریت در اقتصاد تبدیل شده است، گفت: «متأسفانه طی ماه‌های اخیر شاهد افزایش بی‌رویه و غیرقابل کنترل نرخ کالاها اساسی به‌ویژه اقلامی که بیشترین تأثیر را بر معیشت مردم دارند، بوده‌ایم. باتوجه به در پیش‌رو بودن ماه مبارک رمضان و عید نوروز که همواره با افزایش تقاضا برای برخی کالاها همراه است، دولت باید از هماکنون تمهیدات لازم را برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و کمبود کالاها اتخاذ کند. مسرد از وعده‌های بی‌عمل خسته شده‌اند و انتظار دارند که دولت با ارائه برنامه‌های مدون و عملی به این وضعیت ناسامان پایان دهد.»

بیوته در تذکر به وزیر امور اقتصادی و دارایی، افزود: «جناب آقای همتی، گفتن دلار نیمایی را بالا می‌بریم تا نرخ دلار آزاد پایین بیاید، اما رکورد سرعت افزایش نرخ دلار را شکستیم و در ۳ ماه پیش از ۵۰ درصد طلا و ارز را گران کردید، معیشت درارو و کالاها اساسی گران‌تر شده‌اند. در کمتر از ۳ ماه قدرت خرید مردم را ۵۰ درصد کمتر کرده‌اید. تمام بازارها از بورس تا صادرات را دچار گرفتاری و سردرگمی کرده‌اید. در نهایت تورم، در سرگردن ایستادن دولت است. یعنی قبل از اینکه مردم به دست‌نخور خودشان برسند، دولت برای خود سهم جدا می‌کند. تورم، زاده تصادف و اتفاق نیست، تورم تبدیل شده به نوعی مدیریت در اقتصاد، حرف را سفره مردم می‌زند نه آمار شما.»

حال جدای از نظرات موافق و مخالف استیضاح که بدون اعلام نظر از کنار آن گذشته و حق قضاوت را برای خواننده این یادداشت محفوظ می‌دانیم، دلیل استیضاح هرچه باشد، سهم‌خواهی و تسویه حساب سیاسی یا نگاه صرف اقتصادی، آنچه برای مردم کوچه و بازار مهم است، مشکلات تامین سفره خانواری است که هر روز کوچک‌تر می‌شود.

مشکلات اقتصادی روز و سختی معیشت؛ از نرخ ارز و طلا گرفته تا اقلام اساسی سفره خانوار، آینه تمام‌نمای زندگی روزمره شهروندانی است که همچنان امید به آینده دارند. از سوی دیگر، طرح استیضاح در تاریخ اعلام‌شده، در شرایطی که تنها ۲ هفته به پایان سال مانده است، شرایط را پیچیده‌تر می‌کند و می‌تواند بر نابسامانی بازار بیشتر دامن بزند.

اما نکته مهم‌تر آن است که شاید برای بسیاری از شهروندان اصلاً فرایند استیضاح و نتیجه آن مهم نباشد. آنها تنها نگران کوچک‌تر نشدن سفره خانوار خود هستند و تأثیر نتیجه استیضاح بر نرخ ارز و طلا که مستقیم بر معیشت‌شان انگشت می‌گذارد.

در کنار تمام موارد یادشده، نگاهی به عدد سید معیشتی شورای عالی کار که هر سال برای تعیین دستمزد ارائه می‌شود نیز دور از لطف نیست. به گفته علی خدایی، عضو شورای عالی کار، عدد سید معیشتی براساس نرخ تورم دی‌ماه بالای ۲۳ میلیون تومان محاسبه شده است و شورای عالی کار نیز از این هفته وارد موضوع تعیین عدد دستمزد خواهد شد. حتی در صورت پذیرش این عدد برای سید معیشتی، حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۴ نباید کمتر از ۱۳ میلیون تومان باشد تا سفره خانوار بیش از این کوچک نشود!



**گرفتار در تله فقر**

وحید شقایق‌شهری  
اقتصاددان

آمارها می‌گویند در طول ۵ سال اخیر، میزان خرج خانوارها بیشتر از دخل‌شان بوده و در این مدت بیشترین شکاف دخل و خرج خانوارها مربوط به ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ است.

اقتصاد ایران طولانی‌ترین دوره تورمی یکصد سال اخیر خود را تجربه می‌کند؛ به‌طوری‌که میانگین تورم ۷ سال اخیر بیش از ۴۰ درصد بوده و خبر بد اینکه افق روشن مهر تورم برای سال ۱۴۰۴ هم وجود ندارد. چنین روند طولانی تورمی، هزینه وحشتناکی بر سبد مصرفی مردم تحمیل کرده؛ به‌طوری‌که تحلیل‌های اقتصادی حکایت از این دارد که اندازه طبقه متوسط ایران در اوایل دهه ۹۰ بین ۶۵ تا ۷۰ درصد بوده، در حالی که در سال‌های اخیر اندازه طبقه متوسط به‌شدت سقوط کرده و به کمتر از ۵۵ درصد کاهش یافته است.

به‌عبارت دیگر، چیزی حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد طبقه متوسط ایرانی طی دهه ۹۰ از بین رفته و به طبقات پایین‌تر تنزل یافته و بالعکس اندازه طبقه فقیر به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. شاخص دیگر یعنی سهم ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت نیز همین موضوع یعنی افزایش طبقه فقیر جامعه را تأیید می‌کند، به‌طوری‌که در سال ۱۳۸۵ حدود ۵ درصد بوده، اما طی سال‌های اخیر این شاخص افزایش داشته و به ۵.۸۸ درصد و ۶۰.۱ درصد رسیده است.

بنابراین خطر جدی برای ایران پیش‌رو گرفتار شدن در دام و تله فقر است و وقتی کشوری در تله فقر گرفتار آید، خروج از آن بسیار پیچیده و طاقت‌فرسا خواهد بود.

نکته اینکه اصرار بر روش‌های کنترلی نادرست بانک مرکزی موجب شده به‌دلیل اختلاف ۵۰ درصدی نرخ ارز نیمایی و بازار آزاد، بانک‌ها تسهیلات را به شرکت‌های زیرمجموعه خود هدایت کنند و این شرکت‌ها نیز برای برخورداری از راست ارزی در صف واردات قرار بگیرند و طرح توسعه‌ای از کانال تسهیلات نظام بانکی طی ۲ سال اخیر اتفاق نمی‌افتد؛ این سیاست اقتصاد ایران را در شرایط قفل‌شدگی قرار داده و رکود سهمگینی هم حاکم شده است. البته به‌تازگی بانک مرکزی از این سیاست غلط خود تا حدودی کوتاه آمده است. کاملاً مشخص بود که تنها با رویکرد غلط بانک مرکزی در سیاست‌های ارزی و پولی، اثرات کاهش تورمی امکان ماندگاری در میان‌مدت و بلندمدت را نخواهد داشت؛ چراکه ریشه تورم یعنی ناترازی‌های اقتصاد کلان و عدم‌کارایی بخش واقعی اقتصاد ایران سر جای خود قرار دارند.

موضوع نگران‌کننده دیگر این است که کالاها و سربامه‌های با دوام و غیرمنقول از جمله مسکن، به‌دلیل مبلغ پایه بالا و وقتی با تورم‌های بالا مواجه می‌شوند، رشدهای عجیب دیده و فاصله و شکاف خرید و درآمد خانوار بیشتر و بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال فرض کنید نرخ پایه و اولیه مسکن ۲ میلیارد تومان و دستمزد نیروی کار ۱۰ میلیون تومان باشد. اینک با تورم فرضی ۴۰ درصدی، در ۸۰۰ میلیون تومان به نرخ مسکن افزوده می‌شود؛ این در حالی است که با فرض همان میزان ۴۰ درصدی در رشد دستمزد، حقوق نیروی کار ۱۴ میلیون تومان شده و طی یک سال ۴۸ میلیون تومان به حقوق سال گذشته نیروی کار اضافه شده است؛ بنابراین شکاف بین ۸۰۰ میلیون تومان با ۴۸ میلیون تومان رخ داده و شکاف عمیق‌تر شده است. این واقعیت حکایت از این دارد در کالاشهرهای کشور بیش از ۵۰ درصد درآمد ماهانه خانوارها صرف هزینه مسکن می‌شود.

نظر به تورم‌های پیوسته بیش از ۴۰ درصدی طی ۷ سال اخیر و اثرات رشد مرکب و انباشته تورم، در نتیجه شکاف رو به تزاید بین دستمزد و تورم، افزایش دستمزد‌ها حداقل متناسب با تورم برای سال‌های آینده اجتناب‌ناپذیر است. به‌دلیل کاهش شدید قدرت خرید مردم، عدم‌افزایش متناسب حقوق و دستمزد‌ها، خود موجبات سرکوب طرف تقاضا را تشدید خواهد کرد و به چالش طرف عرضه منتهی خواهد شد. در نتیجه مشکلات مرتبط با بخش عرضه اقتصاد می‌تواند در کوتاه‌مدت سبب تورم شود.

(۲) تداوم سیاست پرداخت یارانه نقدی با برخی اصلاحات: هم در دهک‌بندی، هم در تعدیل مبلغ یارانه و هم اصلاح جامعه هدف

(۳) تداوم اجرای طرح کالایرگ

(۴) اجرای طرح حمایت بانکی با تسهیلات کم‌بهره برای جبران بخشی از هزینه اجاره خانوارها در کلانشهرهای کشور

(۵) آغاز اصلاح نظام یارانه‌های پنهان در جهت توزیع عادلانه یارانه‌های پنهان انرژی؛ تعدیل تدریجی نرخ انرژی در کنار ایجاد بازار متشکلی برای خرید و فروش انرژی توسط خانوارها.

## اقتصاد در گرداب تورم



**Inflation** به‌معنای افزایش مداوم و پیوسته سطح عمومی نرخ کالاها و خدمات در یک جامعه بوده و برای یک دوره زمانی معین می‌شود. کارشناسان، کاهش عرضه با افزایش تقاضای کل و رشد نقدینگی را ۲ عامل اصلی بروز تورم می‌دانند. همچنین اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی، کسری بودجه و استقراض دولت

از بانک مرکزی از مهم‌ترین عوامل افزایش نرخ تورم هستند. البته در صورت کنترل نرخ تورم، حتی افزایش این شاخص اقتصادی می‌تواند انگیزه تولید در اقتصاد را افزایش داده و منجر به رشد GDP و بهبود دیگر مولفه‌های اقتصادی شود. در پرونده این شماره به موضوع تورم و معیشت پرداخته‌ایم.

**ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ تورم** تک‌رقمی طی ۵ سال از سیاست‌های اقتصادی هفتمین برنامه توسعه است. این در حالی است که کاهش و کنترل تورم در تمام دولت‌ها، صدرنشین شعارهای انتخاباتی بوده و در سال‌های تصدی‌گری نیز به یکی از دغدغه‌های اصلی بدل می‌شود. تورم یا

اگر تورم ۱.۵ درصدی اعلام‌شده از سوی مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۵۷ به‌دلیل شرایط خاص کشور در دوران انقلاب نادیده گرفته شود، نرخ تورم در ۲ سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌ترتیب ۱۱.۷ درصد و ۲۴.۲ درصد برای سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ بوده است. در این بررسی، نرخ تورم سالانه در هر یک از دولت‌های ۸ ساله بدون توجه به شرایط خاص سیاسی و اجتماعی هر دوران و تنها از نظر کمی با هم مقایسه می‌شوند. البته گاهی به برخی از دلایل دربار تغییر اعداد تورم اشاره‌ای خواهد شد. کلیه ارقام استفاده‌شده در این گزارش، برگرفته از مرکز آمار ایران و برای نقاط شهری است.

### دوره میرحسین موسوی ۱۳۶۰-۱۳۶۷

۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
۲۳.۲	۱۲.۹	۱۹.۴	۲۷	۲۱	۱۴.۶	۳۰.۹	۲۹.۲

روند تغییرات نرخ تورم در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۰ (مأخذ: مرکز آمار ایران)

در این دوره هرچند اقتصاد ایران نرخ‌های تورم ۳۰.۹ و ۲۹.۲ درصد را به‌ترتیب در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ تجربه کرده است که می‌تواند گویای وضعیت اقتصادی کشور در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی به‌ویژه ناشی از کاهش درآمدهای ارزی باشد، اما در این دوره، اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۴ شاهد کمترین نرخ تورم، معادل ۲.۱ درصد بوده که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بی‌سابقه محسوب می‌شود. از ویژگی‌های اقتصاد ایران در این دوره، تثبیت نرخ ارز رسمی (۷ تومان) و تهیه و توزیع اقلام اساسی و ضروری مردم با نرخ ارز دولتی بوده است.

**ویژگی مهم این دوره:**

کمترین نرخ تورم در سال ۱۳۶۴ و معادل ۲.۱ درصد و بازگشت نرخ تورم در ۲ سال آخر دوره به حدود ۳۰ درصد.

### دوره هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۵)

۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
۱۶.۲	۱۰.۲	۲۰.۲	۲۴.۵	۲۲.۵	۳۴.۹	۴۹.۳	۲۳.۹

روند تغییرات نرخ تورم در دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۸ (مأخذ: مرکز آمار ایران)

از ویژگی‌های این دوره، افزایش نسبی نرخ تورم ناشی از آزادسازی ترجیحی نرخ ارز، از ۷ تومان به ۱۷۵ تومان است؛ به‌طوری‌که نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ به ۴۹.۳ درصد رسید که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بی‌سابقه است. علت اصلی این جهش نرخ تورم، تشکیل حساب تعهدات ارزی دولت در بانک مرکزی ناشی از مابه‌التفاوت رقم ریالی ارز ۷ تومان به ارز ۱۷۵ تومانی در زمان تسویه بوده که منجر به افزایش پایه پولی و نرخ تورم شده بود، هرچند این افزایش نرخ تورم در سال‌های بعد تعدیل شد.

**مهم‌ترین ویژگی این دوره:**

بیشترین نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ معادل ۴۹.۳ درصد و بازگشت آن به ۲۳.۹ درصد در سال پایانی  
- آزادسازی تدریجی نرخ برابری دلار از ۷ تومان به ۱۷۵ تومان.

### دوره خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۳)

۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱۶.۵	۱۸.۵	۲۰.۲	۱۲.۳	۱۱.۵	۱۳.۲	۱۳.۹	۱۴.۶

روند تغییرات نرخ تورم در دوره ۱۳۸۳-۱۳۷۶ (مأخذ: مرکز آمار ایران)

در این دوره باوجود افزایش نسبی نرخ تورم، در سال‌های نخست تقریباً نرخ تورم

## راهکارهای کاهش نرخ تورم

افزایش نقدینگی، سیاست‌های مالی انبساطی و کسری بودجه، انتظارات تورمی، افزایش جمعیت گروه سنی مصرف‌کننده، افزایش شاخص نرخ کالای وارداتی، افزایش نرخ ارز و... عامل بروز تورم هستند. بر این اساس برای کنترل تورم راهی جز مدیریت موارد یادشده نداریم و باید سیاست‌هایی مانند اجرای انضباط مالی، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه مبادله پول، افزایش نرخ سود حقیقی و ارتقای بنیه تولید و رشد اقتصادی اجرائی شود. در بررسی دلایل موثر بر تورم، نوسان نرخ ارز در صدر این فهرست قرار داشته و حتی از تأثیر نقدینگی بر تورم نیز پیشی می‌گیرد. از سوی دیگر، از آنجا که تورم یک پدیده پولی است، با کمک سیاست‌های پولی و مالی می‌توان آن را مدیریت یا مهار کرد. به‌عنوان مثال، یکی از ابزارهای کنترل تورم بالا بردن نرخ بهره بانکی است.

این کار که به معنی گران شدن پول است، باعث می‌شود پول‌های سرگردان در جامعه که در بازارهای مختلف باعث ایجاد تلاطم می‌شوند، جمع شوند و کاهش نقدینگی یکی از راه‌های کاهش میل به مصرف خواهد بود. هرچه مصرف کاهش یابد، نرخ کالاها و خدمات نیز کاهش خواهد یافت. برای درک بهتر موضوع در ادامه به تشریح انواع «تورم» در اقتصاد می‌پردازیم:

**- تورم نقطه به نقطه**

در صورتی که درصد تغییرات شاخص CPI را در ۲ مقطع زمانی مختلف نسبت به یکدیگر محاسبه کنیم، می‌توانیم به تورم نقطه به نقطه دست بیابیم. فاصله این مقاطع زمانی می‌تواند به‌صورت ماهانه یا سالانه باشد. به‌عنوان مثال، تورم نقطه به نقطه سال ۱۴۰۰، درصد تغییرات شاخص CPI سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ است. برای این

منظور شاخص CPI سال ۱۴۰۰ را از سال ۱۳۹۹ کم کرده و حاصل را بر شاخص CPI سال ۱۳۹۹ تقسیم می‌کنیم. این محاسبات می‌تواند به‌صورت ماهانه نیز باشد. نکته مهم در محاسبات این شاخص این است که هرگونه نوسانات قیمتی که بازه بین این دو تاریخ رخ می‌دهد، نادیده گرفته می‌شود و ملاک اندازه‌گیری تاریخ موردنظر خواهد بود.

**- متوسط نرخ تورم سالانه**

در صورتی که متوسط نرخ تورم ماهانه را طی یک سال در نظر بگیریم و از آن میانگین هندسی بگیریم، متوسط نرخ تورم سالانه به‌دست می‌آید. در این روش محاسبه، تفاوت‌های قیمتی در بازه زمانی یک سال مدنظر است. همین امر متوسط نرخ تورم سالانه با نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه یک سال را متفاوت می‌کند.

**۳- سطح نرخ در اقتصاد**

**تورم خزنده:** تورمی است که در آن قیمت‌ها به‌طور آرام و خفیف شروع به افزایش می‌کند. در این نوع از تورم، قیمت‌ها در طول سال نهایتاً تا سقف ۸ درصد رشد خواهند کرد.

**تورم شدید:** تورم شدید، تازنده یا شتابان، تورمی است که با سرعت بیشتری باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود. این تورم در طول سال بین ۱۵ تا ۲۵ درصد تعریف شده است.

**تورم بسیار شدید:** تورم بسیار شدید به‌معنای ۲ برابر شدن قیمت‌ها در طول شش‌ماهه یک سال است یا تورمی که تنها در عرض یک ماه، نرخ انجاس را ۵۰ درصد افزایش داده است. از این نوع تورم، با عنوان تورم افسارگسیخته، ابرتورم یا حتی فوق‌تورم هم یاد می‌کنند.